

دیپلماسی اقتصادی: از نظریه تا دنیای واقعی

تاتول مناصریان^۱

موسس، مرکز تحقیقات ALTERNATIVE

چکیده اجرایی

هدف ما آشکار ساختن رابطه میان اصول بنیادی دیپلماسی اقتصادی و روندهای فعلی جهانی شدن^۲ اقتصادی، به ویژه در کشورهای پسا- شوروی (بر مبنای مورد ارمنستان) است. به عقیده ما، کارایی اصلاحات اقتصادی نسل دوم که در جمهوری ارمنستان به مورد اجرا گذاشته می‌شود، ارتباط بسیار نزدیکی با توانایی پاسخگویی مناسب به چالش‌های درونی (داخلی) و بیرونی دارد. اگر بتوان تأثیر (پیامدهای) چالش‌های درونی را عمدتاً با استفاده از شاخص‌ها/متغیرهای حوزه تهدیدات اقتصادی ارزیابی (برآورد) کرد و پتانسیل (متناسب) امنیت اقتصادی را تبیین کرد، آن‌گاه چالش‌های بیرونی علاوه بر ضرورت خنثی سازی (لغو) تهدیدات اقتصادی بیرونی، نیازمند جهت‌گیری و برنامه روشن دیپلماسی اقتصادی است.

بدیهی است که معنا، اشکال و شیوه‌های دیپلماسی اقتصادی، بسته به سطح توسعه اقتصادی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.^A در عین حال، تقریباً هر ملتی در جهان مدرن (معاصر) بر نقش منافع اقتصادی در فرآیندهای سیاسی؛ روندهای (الگوهای) مشاهده شده در ایجاد روابط اقتصادی بین‌المللی؛ و شناسایی نقش جدید دولت در تنظیم روابط اقتصادی بیرونی، تأکید می‌کند (به دقت به آن توجه می‌کند). از اینرو، نیاز به طراحی روش‌ها و رویکردهای کاربردی و نظری جهت بکارگیری در دیپلماسی اقتصادی و تبیین تحولات احتمالی با توجه به جابجایی‌ها در جهت‌گیری‌های مربوطه ضروری است. در این میان، موضوعات کارایی بالای مشارکت کارگزاران اقتصادی؛ تضمین شرایط مساعد؛ روش‌های مورد استفاده دولت جهت رسیدگی به مشکلات و ویژگی‌های دیپلماتیک اقدامات در روابط اقتصادی بین‌المللی مورد تأکید قرار می‌گیرد.

جهانی‌شدن اقتصادی و دیپلماسی اقتصادی

تدوین طرح خلاصه شده دیپلماسی اقتصادی در مرحله کنونی جهانی‌شدن اقتصادی، یعنی در زمانی که تأثیر برآورد شده جهانی‌شدن اقتصادی بر اقتصاد ملی به گونه‌ای متفاوت تفسیر می‌شود، و سیاست‌گذاران را مجبور می‌سازد تا راه‌هایی برای تثبیت وضعیت و گزارش پیشرفت کار در آینده بیابند (جسجو کنند)، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقامات دولتی و نیز نخبگان

¹ Tatoul Manasserian

² Globalization

^A آر. سانر، ال. ییو، دیپلماسی اقتصادی بین‌المللی: جهش‌ها در دوران پست مدرن، مقالاتی برای بحث در دیپلماسی، موسسه هلندی روابط بین‌الملل "کلینگندیل"، صفحه ۱۰ http://www.transcend.org/t_database/pdfarticles/318.pdf

اقتصادی کشور باید اهداف مشخص تری برای طراحی/تدوین دیپلماسی توسط نهادهای دیپلماتیک تأسیس شده از زمان استقلال ارمنستان در جهت توسعه اقتصادی و برای تعلیم/ تربیت مقامات/ متخصصان ذیصلاح مربوطه برای این نهادها، تعیین کند.

نکته قابل توجه این است که تحولات پویای اقتصاد جهانی مستقیماً بر اشکال، روش‌ها، ابزارها و اصول دیپلماسی اقتصادی تأثیر می‌گذارد و در عین حال حلقه نفوذ را گسترش می‌دهد و سایر بازیگران را درگیر دیپلماسی می‌سازد.

در حال حاضر، مهم‌ترین تدوین کنندگان دیپلماسی اقتصادی نه تنها دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی^۱، بلکه سازمان‌های اقتصادی و مالی منطقه‌ای، مؤسسات تخصصی، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی^۲ (اتاق بازرگانی و اتحادیه‌های تجاری)، افراد (شخصیت‌های حقیقی)، و اشخاص حقوقی و غیره هستند که شمار آنها نیز مدام در حال افزایش است. نه تنها ابزارها و سیاست‌های طراحی شده، بلکه تکنیک‌های مدرن مورد استفاده در دیپلماسی اقتصادی نیز به طور اساسی تغییر کرده است. غالباً، آنها در طول مذاکرات دوجانبه^۳ و چند جانبه^۴ مورد استفاده قرار گرفته و صیقل می‌خورند.^B

نقش سازمان‌های بین‌المللی

ابزارها و تکنیک‌های فوق‌الذکر به ویژه توسط جمهوری ارمنستان در دوره پیش از پیوستن ارمنستان به سازمان تجارت جهانی^۵ (WTO)، هنگامی که موضوعات انطباق سیستم اقتصادی و دولتی با الزامات سازمان تجارت جهانی و دیدگاه‌های مربوط به تجارت و همکاری متقابلاً سودمند با سایر دولت‌های عضو سازمان تجارت جهانی در قالب‌های دو جانبه و چند جانبه مورد بحث قرار گرفت، به کارگرفته شد. شایان ذکر است که از سال ۲۰۰۳، با پیوستن ارمنستان به سازمان تجارت جهانی، تعداد چالش‌های موجود در این کشور در خصوص دیپلماسی اقتصادی به طور مداوم در حال افزایش بوده است. علاوه بر سازمان‌های مالی و اقتصادی بین‌المللی، ارمنستان در حال حاضر مجبور است جهت‌گیری‌های اصلی همکاری اقتصادی خارجی خود را با واحدهای اقتصادی و سیاسی منطقه روشن سازد. سخت‌ترین وضعیت در سال‌های اخیر در چارچوب همکاری اقتصادی با اتحادیه اروپا و اتحادیه گمرکی کشورهای مشترک المنافع^۶، با توجه به شرایط فعلی/موجود مقررات مانع‌الجمع این دو نهاد، پدید آمده است. در این مورد، امکان انتخاب مؤثر با استفاده از دیپلماسی اقتصادی ارمنستان بدون مشارکت شخص ثالث یا هماهنگ‌سازی و نزدیک تر کردن مقررات، تعرفه‌ها و اصول فوق‌الذکر بین اتحادیه گمرکی و اتحادیه اروپا می‌توانست محدود شود. یکی از ابهامات این معمای سیاسی- اقتصادی این است که کشورهایی که در مقابل انتخاب بین اتحادیه گمرکی و اتحادیه اروپا قرار دارند، ارمنستان، اوکراین و مولداوی به همراه روسیه، عضو کشورهای مشترک المنافع هستند که این امر اساساً فرصت بیشتری برای اعمال استانداردها و اصول بین‌المللی فراهم می‌سازد. به طور کلی، نیمی از کشورهای جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی، عضو

¹ International Organizations

² Non-governmental Organizations

³ Bilateral

⁴ Multilateral

^B جوما، کالستوس، "آفریقا و برزیل در سرآغاز دیپلماسی اقتصادی جدید"، مرکز علوم و امور بین‌الملل بلفر، دانشگاه دولتی کندی. ۲۶ فوریه ۲۰۱۳. <http://belfercenter.ksg.harvard.edu/publication/22793/>

⁵ World Trade Organization

⁶ CIS Custom Union

سازمان تجارت جهانی هستند، که این امر اساساً می‌تواند کاربرد هر نوع چارچوب همگرایی اقتصادی را با همان استانداردهای بین‌المللی در منطقه تسهیل کند.

رویه‌ها و اصول دوجانبه و چندجانبه از سوی سازمان ملل متحد، بانک جهانی^۱، صندوق بین‌المللی پول^۲، سازمان تجارت جهانی و سایر نهادهای بین‌المللی تدوین و اعمال می‌شوند. علاوه بر این، بواسطه نفوذ مستقیم روندها و تحولات جدیدی که در اقتصاد جهانی مشاهده می‌شوند، به غنای آنها افزوده می‌شود. در این رابطه، می‌توان به وظایف سازمان تجارت جهانی، موافقت‌نامه‌های اصلی برای تصویب اجباری از سوی کشورهای عضو، اصول و سازوکارهای حمایتی اعمال شده در قوانین تجارت بین‌المللی اشاره کرد. قبل از تأسیس سازمان تجارت جهانی، این گونه فعالیت‌ها در چارچوب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت^۳ (GATT) انجام می‌شد که اساساً نقش مهمی در شکل دادن به رژیم تجارت بین‌المللی و نیز در روشن ساختن نقش مشارکت‌کنندگان اصلی آن، ساختار نهادی مؤثر، مؤلفه‌های سازمانی، اصول و شرایط مشارکت، بهبود سازوکار حل اختلاف، ایفا می‌کند. راه‌حل‌های موفقیت‌آمیز این موضوعات از مذاکرات چندجانبه دور جدید گات (اجلاس توسعه دوحه) نشأت می‌گیرد. در این مرحله خصوصاً شرایط و مراحل عضویت در سازمان تجارت جهانی روشن شده بود. در مورد پیوستن ارمنستان به سازمان تجارت جهانی، هدف و موضوعات آن روند در جریان مذاکرات از طریق کارگروه ویژه، و از طریق رایزنی‌های دوجانبه و چندجانبه بواسطه مجاری دیپلماسی اقتصادی که به نوبه خود نتایج اصلی ثبت شده در مراحل بعدی مذاکرات را رقم زد، به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفت. به عقیده ما، افزایش نقش دیپلماسی اقتصادی عمدتاً با چالش‌های جهانی شدن و منطقه‌ای شدن^۴ اقتصادی و شرایط و فرصت‌های نوظهور جدید برای اقتصادهای ملی همراه است که به نوبه خود مستلزم مشارکت راهبردی واقعی دولتی-تجارتی است. ^D در این میان، اهداف و مقاصد رژیم‌های در حال تغییر جهانی مستلزم رویکردهای جدید مدیریت فرآیندها و مفاهیمی است که بر این رویکردها تکیه دارند. در همه این‌ها، دیپلماسی مردمی نقشی تعیین‌کننده دارد که در فضای غیررسمی و دوستانه‌تر، امکان تمرکز بر مقایسه منافع ملت‌های مختلف و بهره‌گیری از دیدگاه‌های بهره‌بردارانه بهینه از مزیت‌های رقابتی را فراهم می‌سازد، و همانطور که نتیجه بخش‌ترین رویه شناخته شده نشان می‌دهد، به نوبه خود زمانی می‌تواند کارآمدتر باشد که توسط گروه‌های خاص و هدف با مشارکت حیاتی کسب و کارهای برجسته از جمله شرکت‌های کوچک و متوسط، دانشمندان، هنرمندان و نمایندگان سایر بخش‌ها اجرا شود.

نقش دولت

ما اغراق نمی‌کنیم وقتی می‌گوییم که دیپلماسی اقتصادی در حال حاضر فرصت‌های بیشتری را برای ارمنستان فراهم می‌کند تا اهداف راهبردی تهاجمی‌تری را از دیدگاه‌هایی جدید وضع کند و کارآمدترین روش‌ها و تکنیک‌ها را برای رسیدگی به آنها انتخاب

¹ World Bank

² International Monetary Fund

³ General Agreement on Tariffs and Trade

⁴ Regionalization

^D مشارکت عمومی خصوصی هسته اصلی اصلاحات نسل دوم که در حال حاضر اجرا می‌شود محسوب می‌شود.

کند. در صورت بازاندیشی در نقش دولت^E، معنا، اهداف و اصول سیاست خارجی اقتصادی نیز به نحوی مورد بازنگری قرار گرفته و سیاست اقتصادی خارجی با در نظر گرفتن اصلاحات اقتصادی-اجتماعی کنونی می‌تواند کارآمدتر گردد.

در مورد محدودیت‌های خاص اعمال شده بر انحصارها بواسطه مداخلات دولت، اجرای قوانین ضد تراست* و لزوم اجرای این قوانین در اقتصاد بازار در شرایطی که سرمایه بسیار متمرکز است، اتفاق نظر وجود ندارد. بر اساس مشاهدات ما از روندهای اخیر در اقتصاد جهانی، مداخلات مربوط به تغییرات قانونی حمایت کننده از مقررات دولتی، بدون استثنا افزایش پیدا می‌کنند. پرداختن به موضوعات فوق برای تنظیم روابط اقتصادی داخلی و نیز برآورد و تفسیر روند تجارت بین‌الملل جهت اتکا به آن‌ها برای منافع نظام اقتصادی در حال تأسیس و مقابله با آن در دیپلماسی اقتصادی، به یک اندازه اهمیت دارد.

در همین حال، همه اینها به انتخاب واقع بینانه‌ترین روش‌ها برای رسیدگی و تحقق اهداف سیاست اقتصادی با حمایت دولت کمک می‌کنند. شایان ذکر است که نقش دیپلماسی با هدف توسعه کشورها، ابزاری برای حصول اطمینان از پرداختن به این موارد است: سیاست خارجی و منافع اقتصادی که عمدتاً به یکدیگر وابسته اند، ساختار، اندازه و پویایی مکان جغرافیایی که حمایت‌ها به سوی آن سوق پیدا می‌کند و شرایط سیاسی و اقتصادی. موضوعات توسعه، به ویژه رعایت اولویت‌ها و شرایط مساعد کمک‌های توسعه‌ای، قواعد تصمیم‌گیری و مذاکره، نقش نهادهای بین‌المللی در بسیج و هماهنگی کمک دهندگان، شرکای راهبردی و فعال سازی تجارت، همواره مورد توجه کنفرانس‌های ویژه سازماندهی شده در چارچوب‌های مختلف بوده است. گروه جی هشت*، گروه بیست*، کنفرانس‌های جهانی سازمان ملل متحد و مجمع عمومی^۱ سازمان ملل متحد، بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه^۲، نهادهای بانک جهانی، بانک‌های منطقه‌ای (بانک توسعه آسیایی^۳، بانک توسعه آفریقا^۴، بانک توسعه بین‌آمریکایی^۵، بانک اروپایی بازسازی و توسعه^۶) سازمان‌ها و تشکیلات ویژه سازمان ملل متحد، نمایندگی ایالات متحده برای توسعه بین‌المللی^۷ (USAID)، آژانس توسعه بین‌المللی کانادا^۸ و سایرین توجه ویژه‌ای به نقش توسعه دیپلماسی اقتصادی دارند.

^E رجوع کنید به کنفرانس سازمان ملل در تجارت و توسعه، گزارش سرمایه‌گذاری جهانی سرمایه گذاری مستقیم خارجی و چالش توسعه، سازمان ملل متحد، نیویورک و ژنو، ۱۹۹۹-۲۰۱۲، ص.۶.

* یا اتحادیه‌های صنایع بزرگ

* از هشت کشور صنعتی جهان (فرانسه، آلمان، ایتالیا، بریتانیا، کانادا، ایالات متحده آمریکا، ژاپن و روسیه) تشکیل شده است که حدوداً ۶۵ درصد اقتصاد جهان را در دست دارند.

* این گروه از همراهی ۱۹ کشور و اتحادیه اروپا تشکیل شده است. این گروه متشکل از قدرتمندترین کشورهای جهان در زمینه اقتصاد است و در مجموع ۸۵ درصد کل اقتصاد جهانی و دو سوم جمعیت جهان را در بردارند.

¹ General Assembly

² International Bank of Reconstruction and Development

³ Asian Development Bank

⁴ African Development Bank

⁵ Inter-American Development Bank

⁶ European Bank of Reconstruction and Development

⁷ United States Agency for International Development

⁸ Canadian Agency of International Development

دیپلماسی اقتصادی و امنیت اقتصادی

همانطور که اکثر کارشناسان بین المللی بیان می کنند، تضمین رشد اقتصادی و توسعه انسانی، و مسائل دیپلماسی اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با امنیت اقتصادی و راهبردهای کشور دارد.^F با در نظر گرفتن این واقعیت که تهدیدات سنتی امنیت اقتصادی روز به روز با منابع جدید تکمیل می شود^G، نقش دیپلماسی اقتصادی در خنثی سازی تهدیدات امنیت اقتصادی کشور (تأمین شرایط رقابت منصفانه، عدم اتکا به تولیدات کشورهای خارجی، مواد خام و سایر بازارها، برنامه های مشترک در استفاده از اقیانوس و فضای جهانی، امنیت حمل و نقل بین المللی، پیشگیری از بلایای طبیعی، حمایت از جمهوری ارمنستان در مواجهه با فرآیندهای همگرایی اقتصادی در جهان، افزایش وجهه سیاسی و اقتصادی و غیره) آشکاراً در حال افزایش است. به طور کلی شاخص های امنیت اقتصادی دارای ارزش نهایی هستند و در صورت افزایش به تهدید تبدیل می شوند.

در حال حاضر، مهم ترین مسائلی که اقتصاد با آن مواجه است، کسری مزمن بودجه، تراز پرداخت ها و تجارت است. ازینرو، بدون تردید، فراهم ساختن شرایط مساعد برای توسعه تجارت و صادرات از طریق دیپلماسی اقتصادی امری ضروری است.^H به ویژه، نقش تجارت خارجی دوجانبه و چندجانبه در توسعه اقتصادی بسیار مهم است. در عین حال، می توان از طریق تجارت خارجی مؤثر، چه در همکاری های بین المللی و چه در همکاری های چندجانبه اقتصادی، جایگاه کشور را به میزان قابل توجهی تقویت کرد که این امر به نوبه خود با تلاش مستمر و مشترک کارگزاران روابط خارجی بسیار ماهر، شایسته و حرفه ای می تواند به واقعیت تبدیل شود. طبیعتاً، تلاش های اصلی باید به سمت مذاکرات چندجانبه و دوجانبه هدایت شود که اهداف و جهت گیری های اصلی آن به پیش نویس موافقت نامه های تجاری موضوع بحث بستگی دارد که توسط سایر طرف های مخالف که از مواضع و دیدگاه های جداگانه گروهی از کشورها دفاع می کنند پیشنهاد شده است. امروزه، برای ارمنستان مهمترین توافقت نامه های تجاری بلندمدت در زمینه بخش های پیشرو دانش بنیان با پتانسیل صادراتی و همچنین صادرات محصولات و خدمات کشاورزی می

^F موز، سلوین و ون برگیک، پیتر ای. جی. دیپلماسی اقتصادی و امنیت اقتصادی، مرزهای جدید دیپلماسی اقتصادی، کارلا گواپو کاستا، ویرایش شده توسط، Instituto Superior de Ciências Sociais e Políticas, ۲۰۰۹، صفحات ۳۷-۵۴؛ Экономическая дипломатия в условиях глобализации. / под общей ред. Л.М. Капицы (авторы: Л.М. Капица, Горбанёв В.А., Мавланов И.Р. и др.)// - М.: "МГИМОУниверситет", 2010. 62- 63с.,

^G Ææçüåå Ñ. Ìññâù íáãñîá-áíèý ýéíñîè-âñéíé ááçñîáññîðè òððáíú- àèüðãðíàðèðáíúé ðáðíðìàòèííúé éóðñ. ÐÝÆ N 1 è 2, 1997; Ææçüåå Ñ. Ñòàáèèèçàòèè è ýéíñîè-âñééè ðíò. Áñðíñú ýéíñîèèè N 1, 1997; Ææçüåå Ñ. Õáíððàèüíúé Ááíé ïðíðèá ïðñúøèáíññîèè ðíññèè. Áñðíñú ýéíñîèèè N 1 è 2, 1998; Ææçüåå Ñ. Ááññòè. Ðíññèè è íáúé ìèðíáíé ïðýáíè. Ñòððàðàèèý ýéíñîè-âñéíáñ ðíñòà ïà ïððíáá XXI ááèà. Ìññèåå, 1997.

^H گلسر، بانی، "دیپلماسی اقتصادی اجباری چین: روندی جدید و نگران کننده"، مرکز مطالعات راهبردی و بین المللی، ۶ اوت ۲۰۱۲. <http://csis.org/publication/chinas-coerciveeconomic-diplomacy-new-and-worrying-trend>

باشند. خصوصاً افزایش منابع تخصیص یافته برای علم حائز اهمیت می باشد، مسئله ای که با کمک نه فقط منابع مالی داخلی، بلکه خارجی می تواند حل شود. اما همانطور که می دانیم اکنون این منابع ناکافی هستند.

در حقیقت، حمایت دیپلماتیک در مذاکرات دوجانبه و چندجانبه، عمدتاً در مذاکرات بین‌المللی برای تعیین موضع هیئت نمایندگی ملی و همچنین بسیج کمک‌های شرکای احتمالی، در خصوص دستیابی به اجماع یا مصالحه برای یافتن راه‌حل‌ها در مورد موضوعات کلیدی و تأمین مشارکت کارگزاران اقتصادی ملی ذی‌نفع، نقشی اساسی دارد. دیپلماسی اقتصادی نقش مهمی در مسائل مربوط به تأمین حمایت اطلاعاتی - تحلیلی از دستگاه‌های دولتی کشور و آگاهی عمومی موثق و جامع از روند مذاکرات در مورد موضوعات خاص کشور دارد.^۱

در فعالیتهای سرمایه‌گذاری، نیاز بیشتری به حمایت از دیپلماسی اقتصادی وجود دارد. به ویژه، در چارچوب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و پرتفوی خارجی، انتظار می‌رود حمایت دیپلماتیک به درستی به معرفی فرصت‌های رژیم‌های سرمایه‌گذاری ترجیحی و سایر اقدامات مربوطه بپردازد. در سال‌های اخیر، موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه و منطقه‌ای برای تضمین فضای سرمایه‌گذاری مطلوب اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده اند.

در عین حال، آن دسته از موافقت‌نامه‌ها و رژیم‌های سرمایه‌گذاری در خصوص فعالیتهای سرمایه‌گذاری که مبتنی بر مطلوب‌ترین، معقول‌ترین و مؤثرترین اصول منافع ملی می باشند، مؤثرترند. به کمک این اصول، می‌توان به ویژه برنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی سازمان‌های فراملی را تشخیص داد، این برنامه‌ها همواره نمی‌توانند به یک اندازه برای آن شرکت‌ها و کشورهای میزبان مفید و مؤثر باشند. این امر به نوبه خود نشان می‌دهد که در بیشتر موارد بهتر است نه تنها در مورد سرمایه‌گذاری‌های خارج از کشور تصمیم‌گیری / جهت‌گیری کرد، بلکه در صورت در دست داشتن ابتکار عمل، از روش‌های دیپلماتیک برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی استفاده نمود. این موارد شامل سازماندهی یک مجمع سرمایه‌گذاری خارجی، نه تنها در یک کشور خاص، بلکه در کشورهایی با انتظارات واقع بینانه‌تر؛ تضمین شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری‌های ملی در کشورهای میزبان، هماهنگی فعالیتهای سرمایه‌گذاری ملی در کشورهای میزبان توسط سفارتخانه‌ها و غیره می‌باشد. در فرآیند سرمایه‌گذاری نیز باید به فعالیتهای اطلاعاتی و تحلیلی مناسب، اطمینان از مشاوره/کمک حقوقی به پروژه‌های سرمایه‌گذاری و غیره توجه ویژه ای مبذول گردد. در عین حال، به عقیده ما ترویج سرمایه‌گذاری‌های ملی/محلی، لابی‌گری برنامه‌های ویژه بین‌دولتی، تضعیف فشارهای سیاسی در فضای سرمایه‌گذاری و شکل‌گیری سازوکارهای جذاب برای سرمایه‌گذاران ملی/محلی از اهمیت بالایی برخوردار است. کمک به شرکت در مناقصه‌های سرمایه‌گذاری در کشورهای خارجی که یکی از کارکردهای اصلی دیپلماسی نیز محسوب می‌شود، برای سرمایه‌گذاران ملی/محلی به همین اندازه حائز اهمیت است.

رسیدگی به مسئله مالکیت معنوی

^۱"اظهارات هیلاری رادهام کلبنتون وزیر امور خارجه". باشگاه اقتصادی نیویورک. ۱۴ اکتبر، ۲۰۱۱. بازیابی، ۲۰۱۳/۱۰/۴. <http://www.state.gov/secretary/rm/2011/10/175552.htm>; مک لئود، کالوم، "چین ادعاهای ارضی خود را در دریای چین جنوبی مطرح می‌کند"، یو اس ای تودی، ۲۶ آوریل ۲۰۱۲. <http://usatoday30.usatoday.com/news/world/story/2012-04-26/south-china-seaphilippines/54566350/1>

با توجه به این واقعیت که یکی از مهمترین مزیت‌های رقابتی ارمنستان پتانسیل معنوی این کشور است، دیپلماسی اقتصادی باید به سمت ارائه مناسب منابع معنوی ارمنستان در خارج از کشور، تجاری کردن^۱ منابع و فناوری‌های معنوی ملی، دسترسی به بازارهای بین‌المللی از طریق نهادهای دیپلماتیک و سازمان‌های بین‌المللی سوق داده شود.

برخلاف سایر کالاها و خدمات، منابع معنوی دارای ویژگی‌های خاص خود هستند. مالکیت معنوی کشور و اشکال اصلی آن نه تنها از طریق قوانین ملی/محلی، بلکه بواسطه رویه‌های رژیم بین‌المللی برای حمایت از مالکیت معنوی تنظیم می‌شود و بایستی برابر (متناسب، سازگار با) استانداردهای سازمان تجارت جهانی و سازمان جهانی مالکیت معنوی^۲ باشد که تجارت بین‌المللی محصولات معنوی را تنظیم می‌کند.

از جمله موضوعات دیگر در تجاری کردن منابع معنوی (ارزیابی، حمایت از حق ثبت اختراع، کارایی ساختار بازار مالکیت معنوی) کسب حق ثبت اختراعات بین‌المللی و رویه‌های صدور مجوز است که به وضوح توسط سازمان‌های بین‌المللی تنظیم شده و جنبه‌های خاص سرمایه‌گذاری در مالکیت معنوی را تعیین می‌کند. شکی نیست که بدون استفاده از روش‌های دیپلماتیک، مشکلات غیرقابل حلی برای دانشمندان و مبتکران در خصوص ترویج محصول معنوی ملی/محلی در خارج از کشور ایجاد خواهد شد. ازینرو، دیپلماسی اقتصادی از یک سو باید مشارکت دانش پژوهان و دست‌اندرکاران را در تحقیقات و تبادل دانش در پروژه‌های بین‌المللی تضمین نماید و از سوی دیگر امکان دسترسی کارگزاران اقتصادی به بازارهای بین‌المللی فناوری‌های نوین و نیز جذب منابع معنوی خارجی و فناوری جدید به سمت اقتصاد ملی را فراهم سازد. فراهم کردن شرایط بازار برابر برای بازارهای فناوری‌های نوین و حمایت دیپلماتیک از سرمایه‌گذاری مشترک و پروژه‌های نوآورانه فناوری بایستی در جهت حمایت از همین هدف باشد. بر اساس شاخص جهانی نوآوری^۳ (۲۰۰۹-۲۰۱۰، INSEAD و CII)، ارمنستان موقعیت خود را از رتبه ۱۰۴ به رتبه ۸۲ ارتقا داد. با این حال، این امر عمدتاً به دلیل تغییر در روش‌شناسی و استفاده از داده‌های دست‌اول بوده است تا دست‌زدن به اقدامات شدید یا تحولات مثبت در اقتصاد ارمنستان. موقعیت ارمنستان در زمینه شاخص‌های نوآوری، مانند کاربرد دانش، مزایای رفاه اجتماعی و سایر شرایط نسبتاً مطلوب است که خود بیانگر این واقعیت است که افرادی که در زمینه علم فعالیت می‌کنند، علی‌رغم بدتر شدن سریع نهادهای (سرمایه‌گذاری) یا عوامل محیطی، به تولید خود ادامه می‌دهند. با این حال، شاخص‌های نوآوری ارمنستان زیر رتبه صدم است: کیفیت مؤسسات آموزشی، بکارگیری و استفاده از زیرساخت‌ها، امکان دسترسی به وام خصوصی، محیط نوآوری شرکت‌ها و محیط نوآوری عمومی، و نیز استقبال از رقابت خارجی و داخلی. نوآوری محلی پایدار نیست و تهدیدی برای جلوگیری از توان رقابتی بین‌المللی محسوب می‌شود. کاهش منابع و مزایای موروثی تهدیدی واقعی است که باید فوراً مورد توجه قرار گیرد. بر اساس شاخص بین‌المللی نوآوری که مرتباً منتشر می‌شود، کشور ما در بین ۱۱۰ کشور در رتبه هفتاد و پنجم قرار دارد. در حال حاضر، ارمنستان از جمله کشورهایی است که در اجرای برنامه‌های نوآورانه با مشکلات واقعی مواجه است.

بهترین روش‌ها نشان می‌دهد که برخی از منافع دولتی و خصوصی ممکن است در این بخش با هم تضاد پیدا کنند. این تناقضات می‌توانند در چارچوب اولویت‌های کشور طبق اولویت‌های توسعه اقتصادی با موفقیت برطرف شوند.

¹ Commercialization

² World Intellectual Property Organization

³ Global Innovation Index

نتیجه‌گیری

بدین ترتیب، هدف اصلی دیپلماسی اقتصادی افزایش کمک‌های حرفه‌ای به توسعه ملی و سیاست‌های مبتکرانه است. خصوصاً برای اهداف توسعه، پاسخگویی به تقاضای اقتصاد برای منابع مالی اضافی، از جمله جذب منابع مالی خارجی (اعم از دولتی و خصوصی) مهم است. از این نظر، مسائل مربوط به استفاده بهینه از منابع مالی جذب شده برای تضمین توسعه کشور از اهمیت حیاتی برخوردار است؛ در میان این مسائل به موارد زیر تاکید می‌شود: مدیریت بدهی، کاهش بدهی، طراحی ساختار مؤثر بدهی و مسائل مربوط به پویایی رشد. علیرغم سیاست دولت در ارائه اشکال و مقررات شرایط منابع مالی، سازمان‌های مالی بین‌المللی، برنامه توسعه ملل متحد^۱، سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد و غیره به طور مرتب به مشکلات پرداخت بدهی‌های خارجی و داخلی نیز اشاره می‌کنند.

سازمان‌های ملی مختلف، و همچنین اتحادیه‌های کشورها و سازمان‌های کمک‌دهنده، وظایف کمک‌های توسعه را انجام می‌دهند، و بنابراین، تلاش‌های خود را با هم یکی می‌کنند که منجر به پرداختن به موضوعات مشابه از سوی طرف‌های مختلف می‌شود. در کشور ما، این وظایف توسط آژانس توسعه ارمنستان^۲ انجام می‌شود که عملکرد آن چندان مطلوب نیست. با اشاره به رویه‌های به کار گرفته شده و اتخاذ شده در دیپلماسی اقتصادی از سوی کشورها و گروه‌های منطقه‌ای، باید توجه داشت که اهداف، مقاصد و ابزارها و تکنیک‌های مورد استفاده در دیپلماسی اقتصادی توسط کشورهای توسعه یافته غربی گاهی با مواردی که توسط کشورهای در حال توسعه و (نظام‌های) اقتصادی در حال گذار بکار گرفته می‌شود، متفاوت است. به عنوان مثال، برخی از کارشناسان بیان می‌کنند^۳ که دیپلماسی اقتصادی ایالات متحده مبتنی بر سناریوی "توسعه اقتصادی" است، در حالی که دیپلماسی اقتصادی بریتانیا از نسخه "محافظه کارانه ای"^۳ تبعیت می‌کند، و دیپلماسی اقتصادی آلمان با رویکرد "انعطاف پذیر" شناخته می‌شود. این در حالی است که کشورهای در حال توسعه سعی در اتخاذ اهداف و مقاصد ویژه دیپلماسی اقتصادی کشورهای توسعه یافته دارند و از کارآمدترین ابزارها استفاده می‌کنند؛ با این حال، تفاوت‌های قابل توجهی نیز وجود دارد. در مورد چین، دیپلماسی اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با تأثیر "اعداد بزرگ" و استفاده از پتانسیل دیاسپورای چینی دارد.^۴ دیپلماسی اقتصادی هند به عنوان نظامی از مفاهیم و مزایای حمایت از توسعه بخش‌های فناوری IT (فناوری اطلاعات)، داروسازی و کشاورزی نقش پر رنگ‌تری دارد. دیپلماسی اقتصادی کره جنوبی نیز موضوع یک تحلیل ویژه است که توانست در مدت زمان نسبتاً کوتاهی به استفاده کارآمدتر از مزایای رقابتی این کشور کمک کند. در نهایت، گزینه "گروه جمعی"^۴ در دیپلماسی اقتصادی کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای منحصر به فرد نیست (گروه ۷۷). شماری از کشورها منافع اقتصادی خود را نه به طور جداگانه، بلکه با یکدیگر ترویج می‌کنند و گاهی اوقات ترجیح می‌دهند دست به ایجاد اتحادیه‌های راهبردی بزنند. مشهورترین آنها دیپلماسی اقتصادی کشورهای صادرکننده مواد خام است، مانند نمونه اوپک، سازمان کشورهای صادرکننده نفت^M، که عملاً

¹ United Nations Development Programs

² Armenian Development Agency

^K روشه، الیزابت، "هند از ذینفع کمک به کمک کننده تبدیل می‌شود"، وزارت امور خارجه، دولت هند، ۱ ژوئیه ۲۰۱۲.

<http://www.mea.gov.in/articles-in-indian-media.htm?dtl/19976>

³ Conservative

^L بیجیان، ژنگ، "صعود صلح آمیز چین به مقام قدرت بزرگ"، روابط خارجی، اکتبر ۲۰۰۵؛ گلاس، بانی، "دیپلماسی اقتصادی اجباری

چین: روندی جدید و نگران کننده"، مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، ۶ آگوست ۲۰۱۲. <http://csis.org/publication/chinas-coerciveeconomic-diplomacy-new-and-worrying-trend>

⁴ Collective Group

نه تنها به آنها اجازه می‌دهد که منافع این کشورها را با هم ادغام کرده و از آنها حمایت کنند، بلکه به نوعی قیمت‌های بازار جهانی نفت را نیز تعیین کرده و کنترل کنند. در حال حاضر، دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای رواج بیشتری یافته است. این امر معمولاً در مورد گروه بندی‌های منطقه‌ای رایج است؛ همچون منطقه آزاد تجاری آمریکای شمالی^۱، اتحادیه کشورهای آسیای جنوب شرقی^۲، اتحادیه گمرکی^۳، و دیپلماسی اقتصادی اتحادیه اروپا دارای یک بستر همکاری "قاره‌ای" است که به یک سیاست مشترک تبدیل شده است که شامل استراتژی جهانی اتحادیه اروپا در قبال کشورهای ثالث می‌شود. این استراتژی دارای تجلیات و چارچوب‌های همکاری مختلفی است: "گسترش اتحادیه اروپا"^۴، "سیاست همسایگی اروپا"^۵، "موافقتنامه‌های حسن همجواری"^۶، "پیمان ثبات و رشد"^۷، "فضای مشترک اقتصادی"^۸، "مشارکت شرقی"^۹ که لزوماً مستلزم ابزارها، استانداردها، هماهنگ‌سازی قواعد و رویه‌ها، آزادسازی^{۱۰} و توسعه تجارت، نزدیک ساختن رژیم‌های سرمایه‌گذاری، کمک‌های اقتصادی و فنی^N. همچنین در نظر گرفتن اشکال بین گروهی در دیپلماسی اقتصادی، به ویژه در چارچوب شرایطی که به نحوی پویا بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شکل می‌گیرد، حائز اهمیت است^{۱۰}. آنها همچنین مستلزم طراحی سازوکارهایی برای رویکردهای مشترک هستند که بایستی توسط کشورها و سازمان‌های کمک دهنده در حین همکاری با کشورهای در حال توسعه اتخاذ شوند که امکان ایجاد باشگاه پاریس^{۱۱} و مشارکت ترانس آتلانتیک^{۱۲} در سال‌های اخیر و بکارگیری اصول اجماع واشنگتن را فراهم ساخت. علاوه بر این، برای این منظور، آنها به "باشگاه کشورهای توسعه یافته"، رایزنی‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^{۱۳} (OECD)، تاکتیک‌های جدید مذاکرات و استفاده از انگیزه‌های اقتصادی و فشار سیاسی نیز تکیه می‌کنند. اتحادیه گمرکی می‌تواند نوعی چارچوب برای ارمنستان در نظر گرفته شود که پیوستن به آن امکان بررسی اشکال جدیدی از همکاری اقتصادی منطقه‌ای و بهره‌مندی از فرصت‌های جدید را فراهم می‌سازد.

¹ North American Free Trade Zone

² Association of Southeast Asian Nations

³ Customs Union

⁴ EU Enlargement

⁵ European Neighbourhood Policy

⁶ Good Neighbor Agreements

⁷ Stability and Growth Pact

⁸ Common Economic Space

⁹ Eastern Partnership

¹⁰ Liberalization

^N ون برگیچ، پیتر آ.جی.، "دیپلماسی اقتصادی و جغرافیای تجارت بین‌المللی"، انتشارات ادوارد الگار، نورث همپتون، ۲۰۰۹، ص ۱۲۷.

^{۱۰} Каррон де ла Каррьер Г. Экономическая дипломатия. Дипломат и рынок, М.: «Российская политическая энциклопедия» (РОССПЭН), с. 201.

¹¹ Paris Club

¹² Transatlantic Partnership

¹³ Organization for Economic Cooperation and Development